

“انتقام سر سختهانه ایران؟!”



غوث جانباز

ظاهراً طوری به نظر می رسد که وقوع یک زد و خورد (از استعمال کلمه جنگ در اینجا عمداً خودداری نمودم) تمام عیار در شرق میانه اجتناب ناپذیر خواهد بود. روحیات و اذهان باشندگان کشور های منطقه به شدت متحول گردیده و جهان دیگر، آن جهان یک سال قبل نیست. اکثر کارشناسان روابط بین المللی، به شمول این کمترین، به آن باور اند که ایران در حال حاضر آماده به جنگ نبوده و عجلالتاً به آن دل خوش نمی کند. انداخت های راکتی ایران بالای برخی از تاسیسات در حاشیه شهر اربیل (کردستان عراق) در واقعیت تلاشی است برای حفظ آبرو، عزت و اعتبار در برابر آنهاییکه ایران را بنابر دلایل گوناگون دولت مقتدر، قاطع و حتی مغلوب ناپذیر می دانند. ایران در پی هر ضربه که بالایش وارد گردیده همواره اذعان نموده و تهدید کرده که با واشنگتن، اسرائیل و همکاران منطقه ئی آنها “تصفیه حساب” خواهد کرد و “انتقام سخت” خواهد گرفت. پس از واقعه دلخراش کرمان، به شمار این “تصفیه حساب” و “انتقام سرسخت” افزوده شد.

قوه نظامی – امنیتی ایران

البته، شکی نیست که ایران در تناسب به بسیاری از کشور های حوزه خلیج، شرق میانه، آسیای مرکزی و آسیای صغیر از نیروی کافی نظامی برخوردار بوده، آموزش مسلکی و تجهیز منسوبین قوای مسلح ایران در سطح جدی و بالاتر قرار دارد. نیروی نظامی ایران با حفظ تعدادی از ملاحظات می تواند با اردو های ترکیه و اسرائیل در موارد معین رقابت نماید.

ایران بر علاوه اردوی منظم، مسلکی و با انگیزه توانسته طی حداقل ۳۰ سال اخیر در اراضی تعدادی از کشور های منطقه مفرزه ها و گروه های جنگی - امنیتی نیابتی نهایت کار کشته و سر سپرده ایدیالوژیک را ایجاد نماید. این گروه ها حاضر اند به اشاره تهران دست به هر نوع اقدام در راستای تأمین منافع ایران بزنند.



نکته ای دیگری که عده ای از تحلیلگران و مبصرین مسائل سیاسی از آن پیوسته طفره می روند و یا هم به آن کمتر می پردازند : تصاحب سلاح تکتیکی اتومی توسط ایران است. برخی از منابع آگاه پافشاری می نمایند که ایران طی یک سال اخیر توانسته حداقل از ۳ تا ۵ راکت تکتیکی را با سرگوله های اتومی تصاحب نماید. ایران همچنان انباری از "بم های آلوده اتومی" را نیز در اختیار داشته و در صورت احساس تهدید به هست و بود خویش می تواند به ضد دشمن استعمال نماید.

تأمین ثبات در فضای استبداد سیاسی - اجتماعی

عوامل دیگری که به نیرومندی قوای مسلح ایران افزوده، عبارتند از : درک دقیق و تعریف یافته از منافع ملی، روایت ملی (ایدیالوژی شیعه و روایت فارسی)، سرکوب هرگونه اپوزیسیون خارج از سیستم حاکم، تعقیب سیاست مستقل خارجی می باشد.

در عین حال، ایران کشوری به تمام شرقی است : نظامیان و سیاست مداران این کشور دوست دارند در رابطه به توانمندی های عینی خویش گزافه گوئی و غلو کنند، شعار های پر زرق و برق، هیجان انگیز و حتی ترسناک را به زبان آرند، و در پایان روز تصویر امکانات و ظرفیت های خویش را قشنگ تر و بالاتر از آنچه است نشان دهند.

مبهرن است: هرگاه ایران در برابر تهدید بود و نبود، نقض تمامیت ارضی خویش قرار گیرد، آنگاه با تمام توان به دفاع از خود و تأمین امنیت در جغرافیای خویش خواهد پرداخت.

نکته!

با در نظر داشت سطح بلند تشنج و تنش که دیرپست در حلقه حاکم این کشور در برابر غرب وجود دارد، با اینهمه هستند حلقه‌های نفوذی (در درون حاکمیت) که به نحوی طرفدار عادی شدن مناسبات و تأمین گفتگو با کشورهای غربی به شمول ایالات متحده امریکا اند. افراد و اشخاص متمایل به عادی ساختن روابط با غرب نه تنها در میان اصلاح طلبان مانند حاتمی (رییس جمهور اسبق) هستند، بلکه حتی در درون محافظه کارترین رده های اقتدار ایران نیز حضور دارند.

با اینهمه، نظر غالب در حاکمیت کنونی ایران طورپست که اهمیت حفظ منافع ملی و حاکمیت ملی نسبت به سود مقطعی اقتصادی در اولویت قرار دارد.

احتمالاً همینگونه موضعگیری و روحیه ممد واقع شده باشد تا ایران علیرغم سخت ترین فشارها و تحریم های که علیه این کشور طی ۴۵ سال وضع شده خود را نگهدارد و به سر ببرد.

درس های تاریخی

از جانی، آنچه در کشورهای همجوار با ایران، قبل از همه افغانستان (وطن من)، عراق و همچنان لیبیا و سوریه رخ داد، درس های تلخ ولی آموزنده را برای ایران در پی داشته و آنرا واداشته تا همواره بیدار و در حالت "آماده باش!" قرار داشته باشد.

بلافاصله پس از انفجارات خونین در کرمان در مراسم عزاداری جنرال قاسم سلیمانی، مقامات ایران اعلام داشت که جواب "سرسختانه" را به دشمن حواله خواهند داشت. دیشب سپاه پاسداران بالاخره این "جواب سرسختانه" را ارایه داشته، اینکه "جواب" تا کدام حد موثر و به راستی "سرسختانه" بوده قضاوت نمی کنیم، لیکن چیزیکه مشهود است، اینکه هیچ دولت مسوول بالاتر از امکانات و ظرفیت های خویش داخل اقدامات نظامی نمی شود.

ایران در شرایط کنونی تا همین حد می تواند "جواب سرسختانه" بدهد. در بقیه مثل سابق به فعالیت های مفرزه ای و نیابتی خویش از طریق گروه های وابسته به خود که از "المغرب تا المشرق" مستقر اند ادامه خواهد داد.

شلیک راکت های دیشب به کردستان عراق و اراضی سوریه نشان داد که ایران علاقمند نیست خودش جرقه اصلی برای آغاز یک جنگ تمام عیار جبهه ای در منطقه باشد. در عین زمان، ایرانی ها با درک که از جریانات سیاسی - نظامی منطقه دارند، واقف اند که برای تأمین توازن نوین در این حوزه و فراتر از آن الزاما باید دست به یک سلسله اقدامات نظامی بزنند، ولی تأکید مینمایم که خودشان از یکه تازی ابا می ورزند و داخل معرکه کلان نخواهند شد، الی آنکه مورد تهاجم مستقیم و اجتناب ناپذیر قرار گیرند.

سطر آخر

وقتی روی سطور واپسین این نوشته میاندیشیدم، خبر رسید که واشنگتن "راکت اندازی" شبانه ایران را بر شهر اردبیل عراق و سپس اراضی سوریه "کم عقلانه و غیر دقیق" خوانده است. واشنگتن به این ترتیب رساند که هراسی از اینگونه "جواب های سرسختانه ایران" ندارد...

ایران به نوبه خود در پیوند به شلیک راکت ها اعلام داشت که هدف اش از بین بردن کسانی بوده که در انفجارات کرمان دست داشته و همچنان انهدام زیر بنای های گروه داعش در سوریه بوده است.

به هر ترتیب، به نظر می رسد که اوضاع در حوزه خلیج و شرق میانه به مرحله دیگری رسیده و دراماتیزم پیچیده کسب می نماید.

در پی تعقیب انکشاف اوضاع می باشیم.

